

دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت و فرماندهی نظامی
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) - دانشگاه امیرالمؤمنین (ع) نرسا
سال نوزدهم، شماره ۵۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص ۳۷-۱

نقش آفرینی ژئوپلیتیک سوریه راهگشای فرماندهان محور مقاومت

محسن رضی گندمانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

چکیده

بحران سوریه در سال‌های گذشته به عنوان یکی از مسائل مهم در منطقه غرب آسیا بروز و ظهور نموده و جمهوری اسلامی ایران با توجه به مسئله محور مقاومت و منافع و علائق ژئوپلیتیکی در منطقه درگیر این موضوع شده است. در این رابطه می‌توان گفت عوامل و متغیرهای زیادی از جمله عوامل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در این مسئله تأثیرگذار بوده و بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرماندهان نیز در آن در حال تقابل و رقابت هستند. از جمله این کشورها ایران، امریکا، روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی در سوریه با رویارویی راهبردها، به دنبال دستیابی به منافع و علائق خود هستند. بررسی‌ها در پژوهش حاضر که از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و از روش کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی می‌باشد نشانگر آن است که با توجه به شیب ژئوپلیتیک به سمت حوزه آناتولی و از طرفی قرار گرفتن در گسل‌های فعال جهانی چندین سناریو محتمل می‌باشد و نتیجه حاکی از آن است که در نگاه فرماندهان منطقه‌ای: با توجه به اتحاد و اشنگتن با اسرائیل بر قدرت نظامی این کشور در مقابل سوریه و در نگاهی وسیع‌تر در مقابل جبهه مقاومت، دست از تلاش برای ناامنی در منطقه برنخواهند داشت و ناآرامی‌ها در طولانی مدت همچنان ادامه دار خواهد بود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با توجه به علائق و منافع که در منطقه دارد بایستی راهبردهای خود را متناسب با مناقشات ژئوپلیتیکی این منطقه تدوین نماید. این تحقیق به دنبال تعیین علائق و منافع ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی سوریه در محور مقاومت و به دنبال آن نقش آفرینی راهبردی برای تصمیم‌سازی فرماندهان حاضر در صحنه جهت دستیابی به اهداف محور مقاومت است.

واژه‌گان کلیدی: محور مقاومت، علائق ژئوپلیتیک، سوریه، رژیم صهیونیستی.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، اصفهان، ایران

مقدمه

در طول تاریخ تمدن بشری، دریای مدیترانه و مناطق پیرامونی آن به ویژه شرق مدیترانه آوردگاه کشمکش و رقابت‌های نظامی امپراطوری و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی بوده است به طوری که دریای مدیترانه را نظامی‌ترین دریای جهان نام نهاده‌اند. از منازعات نظامی باستانی ایران و یونان و سپس ایران و روم تا کشمکش‌های بین تمدن اسلامی و تمدن روم و سپس منازعات دوره معاصر و رقابت قدرت بین بازیگران عمده آن یعنی عثمانی، بریتانیا، فرانسه، آلمان و ... در این منطقه موید جایگاه نظامی و ژئواستراتژیک این منطقه در مناسبات قدرت نظامی در سطح کلان و منطقه‌ای می‌باشد.

یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیک حساس در اطراف جمهوری اسلامی ایران، شرق مدیترانه شامل کشورهای سوریه، لبنان، عراق، مناطق اشغالی، و ... است. شرق مدیترانه یکی از نقاط راهبردی خاورمیانه محسوب می‌شود که سال هاست نگاه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را به خود جلب کرده است. این حوزه پل ارتباطی میان آسیا، آفریقا و اروپاست که با دارا بودن شمار قابل ملاحظه‌ای از جمعیت شیعه مذهب در ترکیب جمعیتی سرزمین‌های این حوزه به عنوان منطقه پیرامونی هارتلند شیعه ایران و از حیث موقعیت ویژه ژئوپلیتیک، و همچنین حضور رژیم اسرائیل، در اهداف بلند مدت راهبردی ایران از جایگاهی خاص برخوردار است. تحولات این منطقه عمدتاً متأثر از ملاحظات مذهبی است و همین موضوع دارای تاثیر عمیق در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این حوزه است که لزوم گسترش و حفظ نفوذ ایران و ایجاد قلمروهای ایدئولوژیک بر اساس علایق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را ضروری می‌کند. در دهه‌های اخیر بروز تحولاتی نظیر پیروزی انقلاب اسلامی و موفقیت‌های حزب الله لبنان، پیروزی‌های ارتش سوریه در مبارزه با داعش، به قدرت رسیدن انصارالله یمن، حاکمیت و اقتدار گروه‌های شیعی در عراق موجب شده تا ایفای نقش ایران

در شرق مدیترانه در کانون تحولات قرار بگیرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحول در ساختار ژئوپلیتیکی خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران با اهدافی جهانی تاثیر بسزایی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های مادی گرایانه غربی و شرقی داشته و توانسته است با داشتن نقش کلیدی در این گستره پهنای جغرافیایی و سرزمین‌های شیعه نشین شرق مدیترانه، از اهمیت استراتژیک برخوردار شود. نگاه ایران در زمینه قلمرو خواهی و گسترش علایق منطقه‌ای خود در سرزمین‌هایی که با داشتن ٪ بالایی از جمعیت شیعه، به لحاظ کمی و موقعیت ژئوپلیتیک از نظر کیفی پررنگ‌تر از گذشته و یک افق آینده نگری می‌باشد (ساجدی، ۲۳).

امروزه منطقه شرق مدیترانه و پهنه‌های آبی متصل به آن (نقشه شماره ۱) محل تلاقی و برخورد قلمروهای ژئواستراتژیک بری و بحری از یک سو و از طرف دیگر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در یک سوی معادله قدرت و منازعه جبهه بحری به سرکردگی آمریکا و متحدین غربی و منطقه‌ای آن که مهم‌ترین اهرم قدرت و بازیگر آن در این قلمرو رژیم غاصب صهیونیستی است که با تمام قدرت ارزش‌های این جبهه ژئواستراتژیک در بعد نظامی، دفاعی و امنیتی را در منطقه دنبال کرده و از طرفی اهمیت این منطقه برای جبهه ژئواستراتژیک بری برای شوروی سابق در گذشته (طرطوس، عراق، مصر) و منازعات اخیر در منطقه برای روسیه علایقی را در بر داشته است.

در ضلع سوم هم جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای به استناد آرمان‌های خود در قانون اساسی و منویات حضرت امام خمینی (ره) و رهبری معظم انقلاب (مدظله) و از طرفی تجانس مذهبی و امنیتی در منطقه ایفای نقش می‌نماید. از این رو بر آن شدیم تا به دنبال تدوین راهبردهای مدون ژئواستراتژیک در راستای منویات رهبری و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران در این منطقه باشیم تا با نقش آفرینی آن‌ها به جمهوری

اسلامی ایران نقش نمایندگی و رهبری در منطقه اعطا شود چرا که پایه و رفتار هر عملی در این منطقه همین راهبردهای مدون خواهد بود.

بخش اول: محیط شناسی کشور سوریه

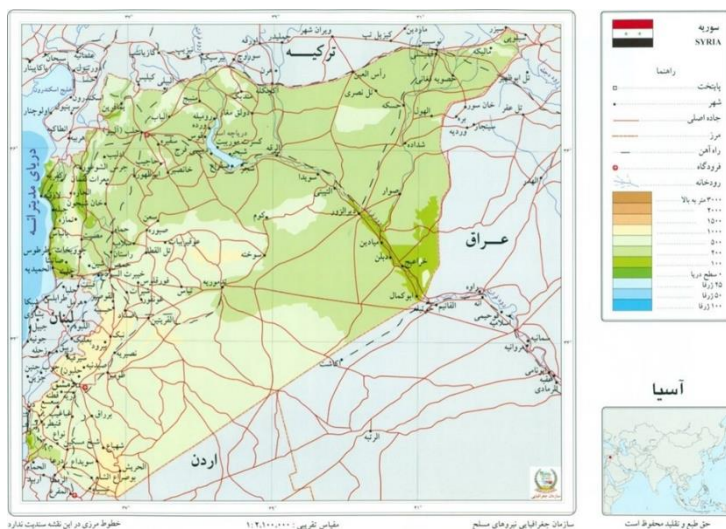
۱- عوامل طبیعی سوریه

۱-۱- موقعیت جغرافیایی

جمهوری عربی سوریه در جنوب غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع گردیده است. این کشور از نظر مختصات جغرافیایی، بین مدار ۳۲ و ۳۷ درجه شمالی و ۳۵ و ۴۲ شرقی قرار دارد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۶: ۱۲).

سوریه که نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است مساحتی در حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع دارد که تقریباً یک نهم ایران را شامل می‌شود. سوریه از شمال به ترکیه، از شرق به عراق، از جنوب به اردن و از غرب به لبنان، فلسطین اشغالی و سواحل مدیترانه محدود شده است. طول مرزهای این کشور در حدود ۲۲۵۳ کیلومتر است که از این میان مرز مشترک با عراق ۶۰۵ کیلومتر، مرز با لبنان ۳۷۵ کیلومتر و مرز با ترکیه نیز ۸۲۲ کیلومتر را به خود اختصاص داده است. نوار ساحلی این کشور در شرق مدیترانه در حدود ۱۹۳ کیلومتر می‌باشد (مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی آجا، ویژه‌نامه راهبردی، ۱۳۹۷: شماره ۲۰۱).

کشور جمهوری عربی سوریه دارای ۱۴ استان، ۴۷ منطقه و ۱۲۰ ناحیه است. استان‌ها به مناطق و مناطق به نواحی و نواحی نیز به تقسیمات کوچک‌تری که همان دهکده باشد؛ تقسیم می‌شوند. پایتخت سوریه شهر دمشق با جمعیتی حدود ۴ میلیون نفر می‌باشد، مهم‌ترین استان‌های سوریه عبارتند از: دمشق حلب، حماه، حمص، لاذقیه، طرطوس، دیرالزور، ادلب، حسکه، رقه و سویدا (مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی آجا، ویژه‌نامه راهبردی، ۱۳۹۵: شماره ۱۰۴).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی سوریه

۱-۲- موقعیت راهبردی و ژئواستراتژیک

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، یکی از مهم‌ترین کشورهای غرب آسیا محسوب می‌شود که توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی را در روند تحولات منطقه‌ای ایفا نماید. در همین راستا، هر تغییری در نظام این کشور، باعث تغییر ژئوپلیتیک غرب آسیا می‌شود (زهرانی، ۱۳۹۵: ۵۰). این موقعیت سبب گردیده است که سوریه یک موقعیت مهم راهبردی از نظر بازرگانی و سیاسی بدست آورد و محل اتصال سه قاره مهم آسیا، آفریقا و اروپا گردد. این کشور نقطه اتصال مراکز صنعتی و بازرگانی اروپا و مراکز تولید نفت در منطقه خلیج فارس می‌باشد. در صورت بهبود وضعیت عراق این کشور می‌تواند محل عبور لوله‌های نفتی و گازی برای صادرات نفت و گاز ایران و عراق به اروپا از طریق دریای مدیترانه باشد. چنانکه اتصال راه‌آهن این سه کشور می‌تواند اهمیت بازرگانی سوریه را افزایش دهد، زیرا تجارت از این طریق هم سریع‌تر خواهد بود و هم واردکنندگان نفت مجبور به دادن مالیات‌های کانال سوئز نخواهند بود (انصاری‌زاده، ۱۳۹۶: ۲).

در میان مناطق بزرگ پرتنش قابل شمارش در سطح کره زمین، منطقه مدیترانه که بطرف خاورمیانه کشیده می‌شود، منطقه پراهمیتی تلقی می‌شود. این موضوع هم از دیدگاه مردم این منطقه و هم از دیدگاه جهانی قابل تأیید است. اگر تعمق عمیقی در مناطق جهان، مشاهده می‌کنیم که حادثترین مسائل ژئوپلیتیکی در منطقه خاورمیانه وجود دارد. با این همه خاورمیانه فقط یک پانزدهم کمربند پیرامونی زمین را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین دلیل وجود تنش (بالقوه) در این منطقه، وجود رژیم نامشروع صهیونیستی است که با غصب سرزمین فلسطین و توسعه‌طلبی روزافزون خود همواره عوامل تنش در منطقه را تقویت می‌کند. کشورهای عربی خاورمیانه از بدو پیدایش رژیم صهیونیستی در حال مبارزه با این رژیم بوده‌اند. البته این مبارزه به طور نامحسوس از دهه ۱۹۸۰ و بعد از اشغال کویت توسط عراق به طور محسوس رنگ باخته است. در حال حاضر تنها سوریه است که در منطقه عربی، در مقابل توسعه‌طلبی این رژیم جهت منافع خودایستادگی می‌کند.

از طرف دیگر، اهمیت ژئواستراتژیک مدیترانه نیز چشم‌گیر است و سوریه به عنوان عضوی از این منطقه در معادلات آن، صاحب نقش است. اهمیت منافع موجود و تنش‌های اطراف مدیترانه نخست ناشی از این واقعیت است که در این بخش از جهان حد و مرزهای چندین مجموعه ژئوپلیتیکی با ابعاد جهانی با یکدیگر تلفیق شده و یکدیگر را قطع می‌کنند. از سوی دیگر موضوع منطقه‌ای مطرح است که بویژه از نظر سیاسی بی‌ثبات است. زیرا بخش مهمی از کشورهای موجود در منطقه، بخصوص آکائی که در سواحل جنوب شرقی قرار گرفته‌اند با یکدیگر رقابت دارند و شاهد تنش‌های داخلی روزافزونی هستند. همسایگی با رژیم اشغالگر قدس، لبنان و عراق به این کشور موقعیت خاصی بخشیده است که بتواند در بازی‌های سیاسی منطقه از جایگاه والائی برخوردار باشد. در میان کشورهای عربی خاورمیانه اکنون تنها سوریه است که سکان‌دار مبارزه با توسعه‌طلبی رژیم اشغالگر قدس می‌باشد.

نزدیکی دیدگاه رهبران سوریه و جمهوری اسلامی ایران در این باره و دیگر معادلات منطقه‌ای و جهانی نیز به اهمیت نقش سوریه در میان کشورهای عرب منطقه افزوده است (صفاتاج، ۱۳۹۵: ۲۸-۲۳).

۳-۱- وسعت و شکل سرزمین

جمهوری عربی سوریه با مساحتی حدود ۱۸۵/۱۸۰ کیلومتر مربع، هشتاد و هفتمین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود (مرکز مطالعات راهبردی سپاه، ۱۳۹۷: ۱۴).

۴-۱- وضع توپوگرافی

ناهمواری‌ها: به دلیل طبیعت کوهستانی سوریه، کوه‌ها و رشته کوه‌های زیادی در این کشور وجود دارند. از این رشته کوه‌ها می‌توان به کوه‌های ساحلی سوریه که به نام کوه العلون هم مشهورند، اشاره نمود، همچنین کوه القلمون، کوه عبدالعزیز، کوه سیس، رشته کوه‌های تدمر، کوه جبل الحرمون (جبل الشیخ) که ارتفاع آن به ۲۸۱۴ متر از سطح دریا می‌رسد، کوه الدروز، کوه العرب، که ارتفاع بلندترین قله آن به ۱۸۰۳ متر از سطح دریا می‌رسد، کوه سمعان، کوه الحلو، کوه شماره و کوه قاسیون از آن جمله‌اند. تنوع و فراوانی زمین‌چهره‌ها در امتداد کوه‌ها و دره‌ها و جلگه‌ها، تعدادی فلات مکمل رشته کوه‌ها، در شمال و شرق و جنوب سوریه به وجود آورده است که از آن‌ها می‌توان به فلات آتشفشانی حوران، فلات جولان (بلندی‌های جولان)، فلات ساحل و فلات حلب که پهنه وسیعی از شمال سوریه را در بر می‌گیرد، اشاره کرد (همان).

شبکه آب‌ها: رودخانه‌های سوریه شامل فرات به طول ۶۷۵ کیلومتر، العاصی به طول ۴۷ کیلومتر، الخابور به طول ۴۶۰ کیلومتر، جغجغه به طول ۱۰۰ کیلومتر، البلیخ به طول ۱۰۵ کیلومتر، رود بزرگ شمالی به طول ۵۶ کیلومتر، الاعوج به طول ۶۶ کیلومتر، رود بزرگ

جنوبی به طول ۵۰ کیلومتر، عفرین به طول ۸۵ کیلومتر، ساجور به طول ۴۸ کیلومتر، السیرانی به طول ۱۵ کیلومتر، بانیاس به طول ۱ کیلومتر، دجله به طول نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر هستند. رود فرات با حدود ۶۷۵ کیلومتر طولانی‌ترین آن‌ها است و قسمت زیادی از آن در ترکیه و عراق جاری است. حدود ۶۰ کیلومتر از رود دجله نیز از داخل اراضی سوریه می‌گذرد. دریاچه‌های سوریه عبارتند از: دریاچه اسد که بر روی رودخانه فرات ساخته شده است. دریاچه‌های دیگر شامل؛ قطینه بر روی رودخانه عاصی، نیشان بر روی عفرین، تشرین بر کبیر شمالی و دریاچه‌های کوچکی مانند مسعده، مزیریب در استان درعا و زرزور در استان ریف دمشق را می‌توان نام برد (مرکز مطالعات راهبردی سپاه، ۱۳۹۷: ۱۵).

(۳) مرزها: سوریه از شمال به ترکیه، از شرق به عراق، از جنوب با سرزمین‌های اشغالی و اردن و از غرب با لبنان و دریای مدیترانه هم‌مرز است. طول مرزهای مشترک این کشور با کشورهای همجوار به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱. مرزهای سوریه با همسایگان

نام کشور	کیلومتر	درصد به کل مرز
ترکیه	۸۴۵	۳۵
عراق	۵۹۶	۲۴/۷
لبنان	۳۵۹	۱۴/۸
اردن	۳۵۶	۱۴/۸
رژیم صهیونیستی	۷۴	۳/۱
دریای مدیترانه	۱۸۳	۷/۶

۵-۱- عوامل انسانی سوریه



شکل ۴. موقعیت و تراکم جمعیت سوریه (همان)

۶-۱- ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیت

بر اساس آخرین آمار گرفته شده در سال ۲۰۱۷ میلادی جمعیت کشور سوریه ۲۴/۲۷۰/۷۰۷ نفر می‌باشد. جمعیت مهاجر داخلی و خارجی بر اساس آخرین آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶ نصف مردم این کشور مهاجرت داخلی و خارجی داشتند. ۷/۶ میلیون نفر آواره داخلی و ۴/۸ میلیون نفر پناهجوی سوری خارجی وجود داشته است. (سفارت ج.ا.ایران در سوریه، برخط)

اکثر جمعیت آن در غرب سوریه که در مجاورت دریای مدیترانه قرار دارد ساکن هستند و پراکندگی جمعیت در قسمت شرق سوریه به دلیل کویری بودن این ناحیه اندک است. به لحاظ نژادی در حدود ۹۰٪ از مردم سوریه عرب هستند که در مرکز و غرب این کشور ساکن هستند، البته مردم ساکن نواحی شمال شرقی سوریه خود را «سریانی» می‌نامند و بر حفظ اصول تاریخی خود تأکید می‌ورزند و ۱۰٪ از بافت جمعیتی این کشور نیز کرد می‌باشند. مناطق اصلی کردنشین در سوریه عبارتند از:

-شمال شرق سوریه و مناطق هم مرز با عراق، شامل قامشلی، حسکه، عامودا، الفحطانیه، المالکیه و عین‌العرب

-شهر عفّین در شمال حلب و شهر عین‌العرب (کوبانی) در مرز مشترک سوریه و ترکیه که قرار دارد. همچنین کردها در محلات الاشرافیه، شیخ مقصود و حی‌الارامنه در داخل شهر حلب تجمع کرده‌اند.

-حی‌اکراد در دمشق که عمدتاً منطقه صالحیه و شیخ محی‌الدین در دامنه کوه قاسیون را در بر می‌گیرد.

ترکیب جمعیتی سوریه از نظر مذهبی نیز به هیچ روی یکدست نیست. اهل تسنن ۷۳٪، علوی‌ها ۱۱/۵٪ که بیشتر در استان‌های لاذقیه و طرطوس تجمع کرده‌اند، مسیحیان ۱۰٪ جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و فرقه‌های زیدیه و امامیه و دروزی ۴٪ که بیشتر در جنوب پایتخت ساکن هستند (مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی آجا، ویژه‌نامه راهبردی، ۱۳۹۷: شماره ۲۰۲).

۷-۱- ترکیب قومی و زبانی

حدود ۹۰٪ مردم سوریه عرب هستند که به طور عمده در مرکز و غرب و جنوب این کشور سکونت دارند و ۱۰٪ کرد و چرکس می‌باشند. تعداد اکراد در سوریه به دلیل عدم سرشماری

بر اساس زبان مشخص نمی‌باشد علاوه بر این چون بسیاری از اکراد به استان‌های دیگر مهاجرت نموده‌اند، پیش‌بینی دقیق تعداد آن‌ها مشکل به نظر می‌رسد. در حالی که کردها تعداد خود را حدود دو میلیون اعلام می‌نمایند، منابع دولتی این تعداد را حدود یک میلیون تخمین می‌زنند. مناطق اصلی کردنشین سوریه شامل؛ شمال شرق سوریه (قامشلی، حسکه، عامودا، القحطانیه، المالکیه و عین‌العرب) که در مناطق مرزی عراق واقع است. منطقه عفرین (شمال حلب) که به جبل اکراد معروف است. این منطقه مرز مشترک سوریه و ترکیه است. حی اکراد در دمشق که بیشتر منطقه صالحیه و شیخ محی‌الدین در دامنه کوه قاسیون را شامل می‌شود. (حسین‌خانی، ۱۳۹۶: ۴۸)

۸-۱- اقلیت‌های قومی - مذهبی

سوریه از چهار قومیت عرب، کرد، آرامنه و چرکس‌ها و مذاهبی چون شیعه، سنی، علوی، مسیحی و دروزی تشکیل شده است (سفارت ج.ا.ایران، برخط). در سوریه، ترکیه و همچنین در شمال لبنان (طرابلس) فرقه‌هایی به نام «علوی» وجود دارند که از طوایف اسلامی و از نظر مذهب‌شناسی از فرق شیعه امامیه می‌باشند و علت تسمیه آن‌ها به علوی، علاقه خاص این فرقه به حضرت علی (علیه‌السلام) می‌باشد.

علویان مانند شیعیان معتقدند جانشین شرعی پیامبر، حضرت علی (علیه‌السلام) است، گرچه در برخی از آن‌ها نوعی غلو در خصوص آن امام و فرزندان ایشان وجود دارد. اکثریت آنها شیعه دوازده امامی می‌باشند. علوی‌ها چهار قبیله اصلی شامل؛ حدادی، مطاوره، خیاطی، کلبی هستند. فرقه‌های مسیحی در سوریه شامل؛ روم ارتدکس، روم کاتولیک، ارمن کاتولیک، ارمن ارتدکس، نسطوریان، مارونی‌ها، پروتستان‌ها و سریان کاتولیک می‌باشند. اکثر مسیحیان سوریه روم ارتدکس و پیرو کلیسای انطاکیه و آشورهای شرقی می‌باشند. آرامنه سوریه تابع

دو کلیسای ارامنه در ارمنستان و لبنان می‌باشند. با توجه به وجود آرامگاه مار مارون رهبر اصلی مذهب مارونی در نزدیکی شهر حلب، این کشور برای مارونی‌ها اهمیت دارد. تعداد مارونی‌های مقیم سوریه به حدود ۵۰ هزار نفر می‌رسد. بیش از ۹۰٪ از مردم استان سویدا دروزی می‌باشند که در جنوب سوریه زندگی می‌کنند. طی چند سال گذشته دروزی‌های زیادی به استان دمشق و ریف دمشق مهاجرت نموده‌اند اما به دلیل ویژگی‌های خاص خود نتوانسته‌اند محل تجمع خاصی در دمشق و یا حومه آن ایجاد نمایند (علمداری، ۱۳۹۳: ۴۶).

۹-۱- ترکیب ادیان و مذاهب

۷۴٪ جمعیت سوریه سنی مذهب هستند. طیف دیگری از مسلمانان این کشور را علوی‌ها، شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیان با مجموع ۱۳٪ تشکیل می‌دهند. ۱۰٪ جمعیت سوریه نیز مسیحی هستند و ۳٪ باقی مانده شامل دروزیان و یزیدیان می‌شود. مسلمانان شیعه بیشتر در شهرهای دمشق، حلب و روستاهای اطراف حمص ساکن هستند (زهرانی، ۱۳۹۵: ۵۰). اساساً ساختار اجتماعی سوریه از چهار قوم عرب، کرد، ارمنی و چرکس تشکیل شده است. طایفه‌های مهم سوریه نسبت دارای دین و مذهب شامل موارد زیر هستند:

الف) مسلمانان: مسلمانان سوریه دارای پیروان مذهبی به شرح زیر می‌باشند:

- سنی‌ها: سنی‌ها بیش از ۷۰٪ از کل جمعیت سوریه را تشکیل و در شهرهای درعا، حومه دمشق، حلب، مرز ترکیه، ادلب، رقه و حسکه تمرکز دارند و به شاخه‌های مختلف قادریه، رفاعیه، نقشبندی، حنفی، حنبلی (اکثریت سنی‌ها حنبلی هستند) شافعی و مالکی تقسیم می‌شوند.

- علوی‌ها: علوی‌ها حدود ۱۲٪ کل جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و اکثراً در شهرهای دمشق، حلب، لاذقیه، طرطوس، حمص و حما ساکن هستند.

- شیعیان: شیعیان سوریه حدود ۸۰ هزار نفر هستند که در دمشق تمرکز دارند.

- دروزی‌ها: دروزی‌ها حدود ۵٪ از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. آنان دارای مراسم

مذهبی خاص می‌باشند. مراکز تجمع دروزی‌ها شهرهای سویدا و حومه دمشق شناخته است. - اسماعیلی‌ها: اسماعیلی‌ها حدود ۲٪ از کل جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و در مناطق سلیمه و مصایف تمرکز دارند. آنان با علوی‌ها دارای ائتلاف سیاسی - مذهبی هستند. (ب) مسیحیان: پیروان دین مسیح حدود ۱۵٪ از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و به دو شاخه اصلی ارتدکس (۷۰٪ از مسیحیان) که وابسته به کلیسای مشرق زمین می‌باشند و کاتولیک (حدود ۲۵٪ از مسیحیان) وابسته به کلیساهای غرب و واتیکان تقسیم می‌شوند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲).

جدول ۲. ترکیب ادیان و مذاهب در سوریه

طائفه	درصد
عرب سنی	۶۳٪
عرب علوی	۱۲٪
مسیحی	۱۰٪
کرد سنی	۹٪
عرب دروز	۳٪
عرب اسماعیلی	۱٪
سایر اقلیت‌ها	۲٪

۱-۱۰ عوامل اقتصادی سوریه

ظرفیت‌ها و شاخص‌های اقتصادی

طبیعت متنوع سوریه، با دارا بودن کوه‌ها، دره‌ها، بیابان‌ها، رودخانه و دسترسی به آب‌های آزاد تأثیر شگرفی بر صنایع و کشاورزی این کشور گذارده است. اقتصاد سوریه بر سه پایه صنایع، کشاورزی و تجارت بنا شده است و لازم است که صنعت نفت، گاز و گردشگری را نیز اضافه نماییم. اقتصاد سوریه در دهه نود با بحران‌های فراوانی مواجه شد که می‌توانست آینده این کشور را تحت الشعاع قرار دهد (سفارت ج.ا.ایران، برخط).

کشاورزی نقش مهمی را در اقتصاد آن کشور ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که بیش از ۵/۱٪ تولید ناخالص ملی و نصف نیروی کار آن کشور را به خود اختصاص داده است. از مجموع مساحت سوریه ۸ میلیون هکتار زمین کشاورزی و قابل کشت و بقیه صحرا و کوهستان سنگی غیر قابل بهره‌برداری است. دریاچه اسد که توسط سد فرات ایجاد شده با مساحت ۶۳۰ کیلومتر مربع - ظرفیت ۱۲ میلیارد متر مکعب از آب رود فرات - حدود ۶۴۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی را آبیاری می‌نماید و ۸۰۰ هزار کیلووات برق تولید می‌کند. مهم‌ترین محصولات سوریه غلات، پنبه، تنباکو و میوه‌جات است و بسیاری از مردم به دامپروری، ماهیگیری و جنگل‌داری نیز اشتغال دارند. صنایع شیمیایی آن کشور کود، کاغذ، سیمان، کنسروهای غذایی و پارچه‌بافی است. صنایع نساجی در شهر صنعتی حلب جنبه صادراتی دارد. (مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی آجا، ویژه‌نامه راهبردی، ۱۳۹۵: شماره ۱۷۴)

انرژی و منابع طبیعی

۱- انرژی: در سال ۲۰۰۶ صادرات سوریه به ۱۰/۷ میلیارد دلار رسید که نفت ۴۰٪ آن را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که در سال ۲۰۰۰ نفت ۷۰٪ صادرات این کشور را تشکیل می‌داد. تولید نفت در سوریه در حال کاهش است زیرا میداین جدید نفتی کشف نگردیده است. طی چند سال اخیر دولت سوریه راهبرد خود را استفاده از گاز طبیعی به جای نفت قرار داده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ میزان مصرف گاز طبیعی در این کشور از ۱۸ میلیارد مترمکعب فعلی به ۵۰ میلیارد مترمکعب در سال بالغ گردد. در این راستا سوریه اخیراً مذاکراتی با جمهوری اسلامی ایران و ترکیه جهت واردات گاز ایران از ترکیه آغاز نموده است. برای اتصال خط گاز ایران به ترکیه نیاز به لوله‌گذاری در ۹۰ کیلومتر در داخل ترکیه و ۶۲ کیلومتر در داخل سوریه است با توجه به افزایش مصرف گاز در ایران پیش‌بینی می‌شود این مقدار گاز در فصل‌هایی دیگر سال به سوریه ارسال گردد (اندیشکده قدس،

برخط). بهره‌برداری از گاز در سوریه از سال ۱۹۸۲ آغاز شد و به تدریج تولید آن افزایش یافت و به مرز ۲۲ میلیون مترمکعب در سال رسید. سوریه و عراق اخیراً بر سر آغاز بهره‌برداری از حوزه گازی عراق در نزدیکی مرز سوریه و ایجاد خط لوله مشترک برای انتقال گاز از این حوزه موافقت نمودند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۰).

۲- منابع معدنی: مهم‌ترین معادن موجود در سوریه فسفات و نمک سنگ است. سوریه مازاد بر استفاده‌های داخلی، فسفات، نمک سنگ و سنگ مرمر را به خارج صادر می‌کند. دیگر معادن سوریه آهن است که ذخایر منطقه راجو به ۶۴ میلیون تن و مناطق قدموس و زبدانی ۶۵ میلیون تن برآورد می‌شوند. سوریه برای کشف مواد خام دیگر، سرمایه‌گذاری‌هایی در بخش اکتشاف معادن به عمل آورده است. (همان، ۹۹)

۴- منابع آب: رودخانه‌های سوریه شامل فرات، دجله، عاصی، بردی، یرموک، خابور، بلیخ، آبیر شمالی، آبیر جنوبی، عفرین، ساجور و السن هستند که در سوریه جاری می‌باشند. رود فرات با ۶۰۰ کیلومتر طولانی‌ترین آن‌ها است و قسمت زیادی از آن در ترکیه و عراق جاری است. حدود ۶۰ کیلومتر از رود دجله نیز از داخل اراضی سوریه می‌گذرد. دریاچه‌های سوریه شامل دریاچه اسد که بر روی رودخانه فرات و دریاچه‌های قطینه بر روی رودخانه عاصی، نیشان بر روی عفرین، تشرین بر آبیر شمالی ساخته شده و دریاچه‌های کوچکی مانند مسعده، مزیریب در استان درعا و زرزور در استان ریف دمشق را می‌توان نام برد (سلیمی، ۱۳۹۴: ۳۲).

شبکه‌های ارتباطی حمل و نقل و خطوط انتقال کالا و انرژی

دولت سوریه برای ایجاد روابط اقتصادی و گسترش آن با کشورهای همسایه تلاش کرده که شبکه نسبتاً وسیعی از جاده‌ها و راه‌آهن ایجاد کند. اما با توجه به محدود بودن وضعیت اقتصادی در سوریه، این کشور غالباً مرکز عبور ترانزیت کالاهای صادراتی ترکیه و لبنان به کشورهای خلیج فارس بوده است. سوریه به منظور توسعه صادرات خود و تسهیل عبور

کالاهای کشورهای منطقه خط اتوبان ۱۶۰ کیلومتری میان دمشق و اردن را احداث کرد و چندین طرح برای ایجاد اتوبان با ترکیه وجود دارد. در سوریه ۱۹۹۸ کیلومتر ریل آهن و جمعاً ۲۹/۰۰۰ کیلومتر جاده آسفالت‌ه وجود دارد. از این میان ۲۲/۶۸۰ کیلومتر آن جاده معمولی و آسفالت‌ه، ۶۷۰ کیلومتر بزرگراه و اتوبان و ۶۳۲۰ کیلومتر آن جاده خاکی می‌باشد. در سوریه ۱/۳۰۴ کیلومتر خطوط لوله انتقال نفت خام و ۵۱۵ کیلومتر خطوط انتقال محصولات نفتی وجود داشته است. تنها فرودگاه بین‌المللی سوریه در شهر دمشق است البته در سال‌های اخیر فرودگاه‌های حلب و لاذقیه نیز توسعه یافته است. سوریه از طریق بنادر خود بر دریای مدیترانه سالانه میلیون‌ها دلار از این طریق کسب می‌کند. مهم‌ترین بنادر سوریه عبارت از: بندر لاذقیه، بندر جبله، بندر طرطوس، بندر ارواد و بندر بانیا س می‌باشند (هادیان، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

۱۱-۱- عوامل فرهنگی - اجتماعی سوریه

هویت ملی و سابقه‌ی تاریخی

سوریه کنونی سابقه‌ای بسیار قدیمی در تاریخ دارد که مورخان این قدمت را به بیش از ۵ هزار سال می‌رسانند از این جهت که این سرزمین در طول تاریخ از فرهنگ و تمدن درخشانی برخوردار بوده است آثار و نشانه‌های زیادی از تمدن قدیم این کشور برجا مانده است. قبل از تصرف این منطقه توسط اعراب مسلمان اقوام زیادی بر این منطقه حکمرانی کرده‌اند از جمله؛ سامی، آموری، آرامی، مصری، آشوری، بابلی، یونانی، رومی و ایرانی که هر یک هر از چند گاهی بر این کشور حکم رانده‌اند. با تصرف شام توسط سپاه اسلام فرهنگ این دین جدید بر تمدن‌های چند سده اقوام مذکور بر شام غلبه یافت (گلی‌زواره، ۱۳۹۲: ۲۷).

در قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری که مقارن جنگ‌های صلیبی بود حکام بسیار مقتدر و دین‌داری بر این سرزمین حکومت می‌نمودند که پرچم جهاد علیه صلیبیان را بر افراشتند. کسانی چون نورالدین محمود زنگی، سلطان صلاح‌الدین ایوبی، ملک عادل ایوبی،

ملک ظاهر، سیف‌الدوله حمدانی و... نه تنها امور جنگی و نظامی را در رأس امور خود قرار داده بودند و به ایجاد پایگاه‌های نظامی، ساخت قلعه حفر خندق‌ها و... می‌پرداختند که وجود صدها آثار آن دوره نشان این مدعا است. در قرون بعدی، ممالیک و سرانجام ترکان عثمانی پس از استیلاء بر این سرزمین سیاست‌های پیشگامان خود را تداوم بخشیده و ضمن حفاظت و بازسازی آثار اسلامی به احداث بناهای دیگر نیز پرداختند. آرامی‌ها اولین کسانی بودند که دمشق را بنانهادند و آن‌ها ساکنین اصلی این سرزمین بوده‌اند و ایشان از نسل سام بن نوح می‌باشند که این شهر را ایجاد و آن را به نام جد خود سام نام‌گذاری کردند. گفته شده است سام بعداً به شام تبدیل گردید و این منطقه به شام معروف گردید. نام کنونی سوریه را فرانسوی‌ها پس از فروپاشی عثمانی و مستعمره نمودن این کشور از روی تاریخ کهن این بخش جهان و آشوریان باستانی بر این سرزمین نهاده‌اند. (زارعان، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۰۵)

انسجام فرهنگی - اجتماعی

حضور جوامع مسیحی و مسلمان در سوریه این کشور را با مسئله‌ای حاد مواجه نموده است. شاید دلیل آن نیز فرقه‌های زیادی باشد که در بین مسلمانان و مسیحیان در سوریه وجود دارد. وقتی گفته می‌شود ۸۵٪ مردم سوریه مسلمان و ۱۵٪ مسیحی هستند، این٪ شامل اهل سنت، علوی‌ها، اسماعیلی‌ها، دروزی‌ها می‌شود و مسیحیان نیز به فرقه‌های مختلف تقسیم می‌شوند. مسیحیان سوریه خود را ساکنین اصلی این سرزمین می‌دانند و حتی آن‌ها در توسعه ملی‌گرایی عربی نقش عمده‌ای ایفا نموده‌اند. سایر مذاهب سوریه نیز از آن جهت به ناسیونالیست عربی جلب شده‌اند که بیم دارند اگر سوریه با بعضی دیگر از کشورهای عربی متحد شوند آن‌ها در جامعه ذوب شوند. همچنین تعداد اقلیت‌های مذهبی در سوریه نسبتاً زیاد است. مسیحیان حدود ده فرقه مذهبی هستند، همچنین چندین فرقه مذهبی مسلمان در سوریه وجود دارد از جمله اهل سنت، علوی دروزی، اسماعیلی، یزیدیه (اطاعت، ۱۳۹۵: ۲۰).

۱۱-۱- عوامل سیاسی (داخلی و بین‌المللی) سوریه

ساختار و نظام سیاسی حکومت

در قانون اساسی کشور سوریه ساختار و نظام سیاسی کشور شامل؛ قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه بوده که توضیح هر یک از قوا به شرح زیر می‌باشد:

قوه مقننه: مجلس جدید پس از اعلام نتایج انتخابات در خلال ۱۵ روز بنا به دستور رئیس جمهور تشکیل می‌گردد و زمان هر مجلس ۴ سال می‌باشد.

وظایف مجلس شامل؛ معرفی کاندیدای ریاست جمهور، تهیه قوانین، بررسی سیاست های کلی، تصویب بودجه عمومی، تصویب معاملات، اعلام عفو عمومی، قبول استعفای اعضای مجلس، رأی عدم اعتماد به وزراء و پیشنهاد اصلاح قانون اساسی می‌باشد.

قوه مجریه: رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی در سوریه است. رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه نیز محسوب می‌شود عزل و نصب اعضای کابینه از جمله نخست‌وزیر در اختیار وی قرار دارد. کاندیداتوری رئیس جمهور توسط مجلس خلق و بنا به پیشنهاد رهبری کشوری حزب بعث اعلام می‌گردد و مردم در یک فراندوم برای تعیین رئیس جمهور شرکت می‌نمایند. این فراندوم به درخواست رئیس مجلس خلق برگزار می‌شود و رئیس جمهور برای یک دوره هفت ساله انتخاب می‌گردد.

قوه قضائیه: طبق قانون اساسی سوریه رئیس جمهور، رئیس شورای عالی قضائی نیز می‌باشد و وزیر دادگستری در حکم دادستان کل کشور است. هرچند در ماده ۱۳۱ قانون اساسی سوریه از استقلال قوه قضائیه سخن گفته شده و مسئولیت آن نیز بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده است، اما این ماده در تناقض با ماده ۱۳۲ قرار دارد که ریاست شورای عالی قضائی را به رئیس جمهور واگذار نموده است و در واقع می‌توان گفت که در سوریه تفکیک قوا به معنی

واقعی وجود ندارد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۰)

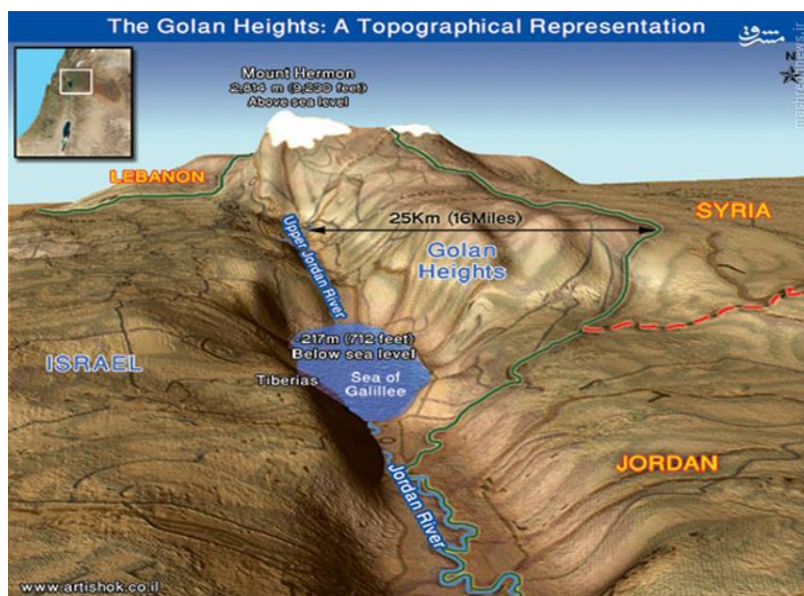
۱۲-۱- احزاب و گروه‌های سیاسی

احزاب سوریه را می‌توان به احزاب موافق و احزاب مخالف دولت تقسیم نمود. قانون اساسی سوریه نظام حزبی (تعدد احزاب) را در چارچوب جبهه ملی ترقی‌خواه به رسمیت شناخته است. نظام فعلی سوریه پس از روی کار آمدن، به تعدادی از احزاب اجازه فعالیت داد و آن‌ها را تحت جبهه‌های به نام جبهه ملی ترقی‌خواه منسجم نمود و این جبهه در واقع ائتلاف حاکم بر سوریه می‌باشد. در ماده ۸ قانون اساسی سوریه که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسیده آمده است: «حزب سوسیالیست عربی بعث، حزب اصلی در جامعه و کشور سوریه می‌باشد و رهبری جبهه ملی ترقی‌خواه را بر عهده دارد. این جبهه که ائتلاف حاکم بر سوریه نامیده می‌شود شامل احزاب؛ حزب بعث، حزب کمونیست (دوشاخه)، حزب سوسیالیست‌های عرب، حزب وحدت‌گرایان سوسیالیست، حزب اتحاد سوسیالیست عرب، حزب وحدت‌گرایان سوسیال دموکرات و حزب قومی - اجتماعی می‌باشد. از احزاب مخالف سوریه می‌توان به اخوان‌المسلمین شعبه سوریه، اعلامیه دمشق، تجمع دموکراتیک، حزب کمونیست (دفتر سیاسی)، حزب سوسیالیست دموکراتیک عربی بعث، حزب کمونیست کار، کمیته‌های احیای جامعه مدنی و احزاب کرد اشاره کرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی

سوریه با عراق، لبنان و اردن اختلافات مرزی نداشته ولی با رژیم اشغالگر قدس در بخش بلندی‌های جولان اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی دارد. رژیم اشغالگر قدس بلندی‌های جولان را در سال ۱۹۶۷ اشغال و در سال ۱۹۸۱ این منطقه را رسماً به خاک خود ملحق کرد که به یکی از مسائل اختلاف‌انگیز بین سوریه و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. اهمیت

استراتژیک جولان باعث شده تا رژیم اشغالگر قدس هر گونه تهدید علیه این منطقه را تهدید علیه امنیت خود تلقی کند. وجود بلندی‌ها در مناطق مرزی، اشراف و برتری نیروهای نظامی یک طرف بر طرف دیگر را موجب می‌شود. فقدان عمق استراتژیک در رژیم صهیونیستی، تل‌آویو را از منطقه جولان در معرض تهدید قرار داده است و نزدیکی دمشق به جولان، همین شرایط را برای پایتخت سوریه، که در نزدیکی مرز قرار دارد، رقم زده است. بنابراین تسلط بر این منطقه به لحاظ استراتژیک، به ویژه در زمان وقوع جنگ، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در جریان جنگ سوریه با تروریسم نیز رژیم صهیونیستی بیشترین واهمه را از نزدیک شدن نیروهای مقاومت به جولان داشت. (جداری عیوضی، ۱۳۹۵: ۸۲)



شکل ۵. موقعیت بلندی‌های جولان

۱۳-۱- روابط و سیاست خارجی

سیاست خارجی سوریه از ابتدای استقلال این کشور از فرانسه تا کنون تحت تأثیر همسایگی با رژیم صهیونیستی بوده است. از آن جا که ماهیت رژیم صهیونیستی ماهیتی تجاوزکارانه

و چشم‌داشت به خاک دیگران است همیشه تهدیدی راهبردی برای سوریه به شمار می‌آید. با توجه به برتری قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی رژیم صهیونیستی نسبت به سوریه، این کشور تلاش نموده است برای توازن با رژیم اشغالگر قدس، از سیاست واقع‌گرایانه استفاده نماید، بنابراین در صحنه بین‌الملل به دنبال متحدانی می‌باشد که بتواند در برابر این رژیم از سوریه حمایت نمایند. طی سال‌های متمادی سوریه، بر رابطه با شوروی سابق و بعداً روسیه و چین سرمایه‌گذاری نمود. رابطه خوب این کشور با ایران نیز با توجه به این عوامل روشن می‌شود. اختلافات سوریه و رژیم صهیونیستی به چند درگیری بزرگ بین دو طرف منجر شده است و فشارهای این درگیری‌ها یکی از موانع توسعه اقتصادی سوریه به حساب می‌آید. اصول سیاست خارجی این کشور بر اساس این مبنا یعنی آزادی جولان اشغالی و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی رژیم صهیونیستی استوار است. اگر سیاست‌های دولت فعلی سوریه نبود، بی‌تردید مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی با مشکلاتی مواجه می‌شد. زیرا حمایت‌های سوریه از مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین نقش جدی در پیروزی‌های این دو جریان و شکست رژیم صهیونیستی داشته است. اتخاذ چنین سیاست واقع‌گرایانه‌ای در سیاست خارجی موجب شد تا این کشور به عنوان یکی از طرف‌های عمده منازعه در خاورمیانه به شمار آید و به «بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» معروف گردد. با توجه به همین اهمیت است که کسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا اعلام می‌کند، هیچ صلحی در خاورمیانه بدون حضور سوریه محقق نخواهد شد (معینی‌علمداری، ۱۳۹۴: ۷۵).

عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

سوریه در سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه عرب، سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد عضویت دارد. (معاونت اطلاعات راهبردی سپاه، ۱۳۹۷: ۳۰)

۱۴-۱- عوامل نظامی سوریه

ساختار نیروهای مسلح

بافت اصلی ارتش سوریه در پیش از استقلال این کشور شکل گرفته و ارتش سوریه در زمان استقلال در حال تبدیل شدن به یک ارتش فنی بود. به دلیل این که افرادی که به ارتش پیوسته بودند بیشتر افرادی سیاسی بودند. ارتش سوریه بعد از استقلال به یک ارتش سیاسی تبدیل گردید. در زمان حافظ اسد نقش ارتش و نظامیان در سیاست افزایش پیدا کرد و مهم‌ترین مشاوران حافظ اسد، افسران نظامی مانند سرلشکر محمدالخولی فرمانده نیروی هوایی، سرلشکر ابووائل، سرلشکر شفیق فیاض، سرلشکر علی حیدر و... بودند. حافظ اسد از جو حاکم بر رقابت شرق و غرب استفاده نمود و ارتش این کشور را تقویت نمود تا به توازنی نسبی با ارتش رژیم صهیونیستی برسد و بدون شک رقابت با رژیم صهیونیستی و اشغال مناطقی از سوریه توسط این رژیم و خوی متجاوزکارانه آن باعث شد که حافظ اسد به ارتش اهمیت ویژه‌ای بدهد به طوری که در آن زمان از نظر قدرت و نیرو ارتش سوریه دومین ارتش کشورهای عربی پس از ارتش مصر بود. فرماندهی ارتش سوریه که به نام ارتش عربی سوریه نامیده می‌شود بر عهده رئیس جمهور که فرمانده کل ارتش و نیروهای مسلح می‌باشد قرار دارد (سفارت ج.ا.ایران، برخط).

سازمان نظامی ارتش سوریه به شرح ذیل می‌باشد:

نیروی زمینی: استعداد نیروی زمینی ۳۰۰ هزار نفر که از این تعداد ۱۳۰ هزار نفر کادر وظیفه اجباری، ۵۰ هزار نفر نیروی احتیاط و باقی کادر رسمی هستند. این نیرو دارای سه سپاه می‌باشد که سپاه اول در دمشق، سپاه دوم در منطقه زبدانی و سپاه سوم در شهر حلب در شمال سوریه مستقر است.

نیروی هوایی: استعداد نیروی هوایی ۱۰۰ هزار نفر است و دو نیروی دفاع هوایی و هوایی

تابع آن است. دانشکده نیروی هوایی سوریه نیز در حلب قرار دارد. نیروی دریایی: استعداد نیروی دریایی ۱۲ هزار نفر است و فرماندهی این نیرو در شهر لاذقیه و نیروهای آن در شهرهای لاذقیه، بانیاس و طرطوس مستقر هستند. (مرکز مطالعات راهبردی سپاه، ۱۳۹۷: ۵۲)

بخش دوم: بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه

به طور کلی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه و نوع رفتار آن‌ها را در یک نگاه در جدول ذیل می‌توان مشاهده کرد. (عباسی و محمدی، ۱۳۹۵: ۷۴)

جدول ۳. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه

بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	نوع رفتارها
آمریکا	فشارهای دیپلماتیک - تبلیغات روانی - حمایت لفظی، مالی و دیپلماتیک از مخالفان - تحریم‌های اقتصادی
روسیه	حمایت‌های دیپلماتیک - حمایت نظامی و اطلاعاتی - عدم اجرای تحریم‌های اقتصادی
چین	حمایت‌های دیپلماتیک - عدم اجرای تحریم‌های اقتصادی
انگلیس و فرانسه	فشارهای دیپلماتیک - تبلیغات روانی - حمایت لفظی و دیپلماتیک از مخالفان - تحریم‌های اقتصادی
ایران	حمایت دیپلماتیک - حمایت اقتصادی - مشاوره امنیتی - عدم اجرای تحریم‌های اقتصادی
رژیم صهیونیستی	صبر و انتظار - حملات محدود نظامی
عربستان	فشارهای دیپلماتیک - تبلیغات روانی - حمایت تسلیحاتی و مالی از مخالفان - تحریم‌های اقتصادی.
ترکیه	فشارهای دیپلماتیک - تبلیغات روانی - حمایت مالی و دیپلماتیک از مخالفان - تحریم‌های اقتصادی - حمایت لجستیکی و تسلیحاتی از معارضان

تحولات و جنگ‌های داخلی سوریه که از مارس ۲۰۱۱ میلادی آغاز شده است را باید در یک قالب شش وجهی بررسی نمود. این وجوه عبارت از: وجه نظام و دولت سوریه؛ وجه محور مقاومت (کشورهای ایران، سوریه، عراق و گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان)؛ وجه مخالفان و معارضان داخلی حکومت بشار اسد؛ وجه دشمنان استکباری دولت سوریه (آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی)؛ وجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و بالاخره وجه کشور روسیه می‌باشد.

در دو دهه گذشته؛ محور مقاومت- کشورهای ایران، سوریه، عراق و گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان- در منطقه غرب آسیا با تکیه بر اهداف مشترک اسلام‌گرایی، مردم‌سالاری، غرب‌ستیزی (به ویژه آمریکا ستیزی) و صهیونیست ستیزی به مقابله با استکبار جهانی پرداخته‌اند. طبیعی است که از جانب دشمنان- هژمونی غرب، رژیم صهیونیستی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که حکومتشان با مردم‌سالاری و غرب‌ستیزی بیگانه است - تلاش‌های زیادی جهت انحراف مجاهدت‌های اصیل محور مقاومت، انجام گیرد. در حال حاضر ویژگی‌های جبهه مقابل محور مقاومت در منطقه عبارت از: حفظ رژیم صهیونیستی و تأمین مرزهای آن، عربیت‌گرایی، مذهب‌گرایی (با طیف‌های وهابی، تکفیری و اخوانی) و محافظه‌کاری سیاسی است.

بنابراین می‌توان گفت: هدف کشورهای غربی، شورای همکاری خلیج فارس و همچنین رژیم صهیونیستی تضعیف محور مقاومت در منطقه است؛ برای تضعیف محور مقاومت، اولین گام ساقط نمودن حکومت بشار اسد- اولین لایه تهدید کننده حیات رژیم صهیونیستی می‌باشد. از این رو توطئه‌های بسیاری جهت تحریک مخالفان داخلی- ستاد کل ارتش آزاد سوریه- و اعزام دشمنان خارجی- تروریست‌های جبهه داعش و النصره- به منظور

بحران آفرینی در سوریه و ایجاد جنگ‌های داخلی در آن کشور - در راستای ساقط نمودن حکومت بشار اسد- صورت گرفته است (رشنو، ۱۳۹۴: ۱۰).

در این میان، نقش کشور روسیه- به عنوان هم‌پیمان دیرین سوریه که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تحقیرهای فراوانی را از سوی غرب تحمل کرده است و در اثر بروز مشکلات داخلی و حس غرب‌گرایی در بین بسیاری از دولتمردان پیشین خود؛ اعتبار گذشته خود را از دست داده است- در حمایت از حکومت بشار اسد و واگذاری (سامانه پدافند هوایی اس-۳۰۰، هواپیماهای پیشرفته جنگی) و همچنین پشتیبانی مستقیم هوایی- بمباران وسیع مواضع تروریست‌ها در سوریه- از ارتش آن کشور، بسیار حائز اهمیت؛ و از سویی غیر منتظره برای غرب، رژیم صهیونیستی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس- به ویژه عربستان سعودی- بوده است. (عزیزان، ۱۳۹۵: ۸)

نقش عربستان سعودی

عربستان سعودی حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی خود را در قامت یک رقیب برای ایران می‌دیده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با افزایش شکاف بین دو کشور و بهره‌گیری سعودی از دشمنی استکبار با ج.ا.ایران، در رقابت فشرده‌تری وارد شده است. بیداری اسلامی در منطقه که می‌توانست فرصت‌های عدیده‌ای را پیش روی ج.ا.ایران قرار دهد و تهدید مستقیمی علیه موجودیت رژیم سعودی بود، زنگ خطر را برای این رژیم به صدا در آورده و باعث شد این رژیم تلاش خود را بر رفع تهدیدهای ناشی از آن و بهره‌گیری از فرصت‌ها نماید. یکی از این فرصت‌ها، تحرکات گروه‌های مخالف در سوریه بود تا بتواند هم با دولت اسد در این کشور که همواره موجب نگرانی رژیم سعودی بوده و در جریان تحولات لبنان نیز با قرار گرفتن در طرف ج.ا.ایران و محور مقاومت مانع از دستیابی عربستان سعودی به اهداف

و نیات شوم خود در مقابل محور مقاومت شود، تسویه حساب نماید و بر همین مبنا نیز با تمام توان وارد صحنه سوریه شد و توانست با همراهی ترکیه، قطر، امارات، اردن و کشورهای غربی گروه‌های مسلح تروریستی را تجهیز و راهی سوریه نماید. عربستان سعودی همانند ترکیه و برخلاف آمریکا و اروپا، ملاحظه‌ای در مورد آینده سوریه در اولویت اول نداشته و صرفاً سرنگونی بشار اسد را به عنوان هدف اصلی قرار داده است. این کشور همراه با قطر و ترکیه از حامیان اصلی جبهه‌النصره بوده و البته حمایت از داعش را نیز در سطحی مورد توجه قرار داده است.

اهم اقدامات این رژیم در رابطه با سوریه به شرح زیر می‌باشد:

- کمک مالی و نظامی به افراد ضد دولت سوریه در جهت اعمال فشار به دولت آن کشور و ساقط نمودن رژیم بشار اسد.
- اعزام نیروهای تکفیری و تروریست به سوریه.
- همسویی و تشویق غرب به حمله نظامی به سوریه.
- رایزنی با روسیه، چین و کشورهای منطقه‌ای (به ویژه ترکیه) و فرمانطقه‌ای، جهت همگرایی آنان در قبال اتخاذ موضع خصمانه علیه سوریه.
- طرح اتهامات مختلف مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی ایران در مسایل داخلی سوریه.

نقش رژیم صهیونیستی

مطالعه راهبرد نظامی رژیم اشغالگر قدس کمک شایان توجهی را به درک نقش صهیونیست‌ها در ایجاد بحران و جنگ‌های داخلی کشور سوریه خواهد نمود. اگر چه رژیم صهیونیستی سعی کرده است در قبال بحران سوریه خود را مبرای از مداخله‌گری جلوه دهد؛ لیکن پس از تعمق در متن سند راهبرد نظامی صهیونیست‌ها، کذب این ادعا اثبات می‌شود. رژیم غاصب صهیونیستی بعد از دوران دیوید بن گوریون که اقدام به پذیرش اصول راهبرد دفاعی - نظامی

کرد، هرگز چنین سندی را در اختیار عموم قرار نداده بود. اما اخیراً برای اولین بار طی ۶۰ سال گذشته، سندی تحت عنوان " راهبرد ارتش رژیم صهیونیستی" انتشار داده است؛ گمانه‌زنی‌های بسیاری، درباره علل این اقدام انجام پذیرفته و بسیاری این عمل رژیم غاصب صهیونیستی را غیرمعمول ارزیابی کردند. سند مذکور اهداف نظامی ارتش رژیم غاصب صهیونیستی را، مواجهه با گروه‌های افراط‌گرا دانسته و بر حفاظت از امنیت رژیم غاصب صهیونیستی به‌عنوان رژیم یهودی و دموکرات تأکید می‌کند. اهدافی همچون حفظ موجودیت این رژیم، دفاع از تمامیت ارضی، امنیت شهروندان، حفاظت از اتباع یهودی، ارتقای جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای این رژیم غاصب و تلاش برای صلح با همسایگان جزو برنامه‌هایی است که در این سند مطرح شده است.

بنابراین می‌توان گفت: محور مقاومت که بزرگ‌ترین تهدید رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید و کشور سوریه اولین خط تهدید و همچنین نخستین لایه دفاعی مقابل آن محسوب می‌شود، در درجه نخست تهدیدات ضد صهیونیستی تلقی می‌شود که باید از بین رود؛ لذا صهیونیست‌ها از هیچ کوششی جهت سقوط حکومت بشار اسد و تضعیف همه‌جانبه کشور سوریه مضایقه ندارند. اهم فعالیت‌های ضد سوری صهیونیست‌ها عبارت از: آموزش و تجهیز تروریست‌های مخالف حکومت بشار اسد؛ افزایش حضور نظامیان خود در ارتفاعات جولان؛ دادن اطلاعات نظامی به مخالفان حکومت قانونی سوریه، حمایت رسانه‌ای از مخالفان بشار اسد؛ حمایت از تروریست‌ها جهت انهدام زیرساخت‌ها و آثار تاریخی - تمدنی کشور سوریه؛ تحریک کشورهای عضو ناتو جهت حمله به سوریه و... می‌باشد. البته باید توجه داشت که رژیم صهیونیستی هیچگاه از کسب مسند قدرت توسط گروه‌های تروریستی خشن - مانند: داعش، النصرة و... - در سوریه و همجوار مرزهای خود که می‌توانند تهدیداتی به مراتب خطرناک‌تر از حکومت بشار اسد علیه امنیت فلسطین اشغالی باشند؛ خرسند نخواهد بود.

نقش روسیه

روسیه بیش از آن که به دنبال حفظ بقای نظام سیاسی سوریه و حکومت بشار اسد باشد، تلاش سیاسی - نظامی خود در آن کشور را در راستای نمایش توان «روسیه قدرتمند و اثرگذار» در معادلات منطقه‌ای و جهانی متمرکز کرده است؛ لذا با ارسال تسلیحات و تجهیزات نظامی به سوریه، حمایت سیاسی و دیپلماتیک جهت حفظ یکپارچگی سوریه و اخیراً پشتیبانی مستقیم هوایی و بمباران مواضع مخالفان بشار اسد در سوریه بدنبال قدرت‌نمایی است.

واقعیت آن است که روس‌ها بدنبال انهدام تروریست‌های داعشی نیستند؛ زیرا پوتین نه تنها از بازگشت چپ‌چنی‌های خشن - اعضای داعش در سوریه - و انجام عملیات‌های تروریستی علیه روسیه نگران است، بلکه به این نکته نیز می‌اندیشد که اگر لانه داعش در سوریه و عراق خراب شود و گروه موسوم به ائتلاف ضد داعش، بتواند بر داعش و دیگر گروه‌های افراطی پیروز شود، تروریست‌های افراطی به ناچار برای تداوم حیات خود و تجدید قوا، گزینه‌هایی همچون استقرار در افغانستان و اعزام به سوی آسیای میانه و روسیه را پیش‌روی خواهند داشت و این یعنی شکل‌گیری تهدید علیه امنیت روسیه؛ بنابراین نمی‌توان گفت که حفظ نظام سیاسی سوریه و جایگاه بشار اسد، خط قرمز مسکو است.

به هر حال نیات و اهداف روسیه در خصوص حمایت از حکومت بشار اسد هر چه که باشد؛ در صورت تداوم و استمرار رأی آن کشور بر دیدگاه فعلی خود - نسبت به ائتلاف با جمهوری اسلامی ایران، عراق و سوریه - جهت مدیریت بحران تروریستی در منطقه؛ موجب ایجاد تحولات جدی در وضعیت کنونی و تقویت محور مقاومت خواهد شد که مسلماً موافق خواست غربی‌ها نیست.

روسیه قبل از اتخاذ رویکرد کنونی، رایزنی‌های گسترده‌ای را با طرف‌های مختلف

بخصوص ایران، عربستان، قطر، آمریکا و رژیم صهیونیستی داشت. این که در مذاکره و تعامل با جبهه مخالف دولت سوریه چه پیشنهاداتی را ارائه داده و چه قول‌هایی به آن‌ها داده و قرار بین آن‌ها چه بوده، حداقل آن‌ها را با جمهوری اسلامی ایران در میان نگذاشته است و این امر جای شک و تردید در مورد نیت و برنامه روسیه در مورد سوریه را موجب می‌گردد. هرچند این احتمال وجود دارد که در مذاکره با جبهه مخالف، دیدگاه‌های خود را مطرح کرده و توافقی بین آن‌ها صورت نگرفته، وجود دارد اما برخی توافقات نیز غیرمحتمل نمی‌باشد و به خصوص رایزنی نکردن با ج.ا.ایران در مورد برنامه‌هایش نشان می‌دهد روسیه مسیر استکباری را در پیش گرفته است هرچند عملاً اقدامات و عملکرد آن همسو با منافع ج.ا.ایران باشد بدین ترتیب برخی ادعاها مبنی بر تشکیل ائتلاف چهارگانه بین روسیه، ایران، سوریه و عراق چندان اعتباری ندارد و روسیه قصد دارد نشان دهد که تنها بازیگر تعیین کننده در سوریه در مقابل غرب و بازیگران منطقه‌ای است.

موضع کشورهای غربی در مقابل رویکرد روسیه:

کشورهای آمریکا، بریتانیا و ترکیه با صدور بیانیه‌ای خواستار توقف حملات هوایی روسیه به مخالفان بشار اسد در خاک سوریه شدند؛ علل این موضع‌گیری غربی‌ها را می‌توان به شرح زیر عنوان نمود:

۱- در صورت تداوم نوار پیروزی حملات هوایی روس‌ها علیه مخالفان بشار اسد؛ موجب تهییج کشور روسیه در ایفای نقش بیشتر در دیگر تحولات منطقه‌ای و جهانی خواهد شد که این توفیق؛ مطابق خواست استکبار جهانی و انحصارطلبان غربی نیست.

۲- حملات هوایی روس‌ها علیه مخالفان بشار اسد؛ موازنه قدرت را به نفع جریان محور مقاومت در منطقه، تغییر خواهد داد.

۳- پیروزی ائتلاف روسیه- ایران- عراق و سوریه در تحولات منطقه؛ مخالف خواست غربی‌هاست.

نقش آمریکا

سیاست امریکا در غرب آسیا همواره چندوجهی بوده است. بطور کلی غربی‌ها داعش و امثال داعش را مشکل اصلی منطقه نمی‌دانند، بلکه از دید آنها مشکل، قوت محور مقاومت و ایفای نقش آن در تهدید رژیم صهیونیستی و عرض اندام در برابر سیاست‌های غربی‌ها در منطقه جنوب غرب آسیاست.

طبق گزارش بروکینگز، آمریکا در سوریه به دنبال ساخت یک ارتش جدید است که بتواند رژیم اسد و رادیکال‌های سنی را شکست دهد. آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که حکومتی در سوریه روی کار آید که همگرای سیاست‌های غرب، تأمین کننده امنیت رژیم صهیونیستی و مخالف محور مقاومت باشد؛ لیکن از آنجا که هنوز به یک آلترناتیو مناسبی که اهداف غرب و رژیم صهیونیستی را تأمین کند، نرسیده‌اند، فعلاً موضع‌گیری کاملاً روشنی در خصوص گروه‌های مخالف اتخاذ ننموده‌اند.

پس در حال حاضر هژمونی غرب بدنبال آن است که با طولی‌المدت نمودن جنگ‌های داخلی در سوریه؛ ضمن آن‌که به نابودی زیرساخت‌ها و تضعیف همه‌جانبه آن کشور می‌پردازد؛ از سوی دیگر نیز به روشن شدن ماهیت و شناخت دقیق گروه‌های درگیر در آن کشور، جهت انتخاب جایگزینی مناسب - همگرا با سیاست‌های غرب - برای حکومت بشار اسد، دست یابند. روی همین اصل، با درپیش گرفتن سیاستی سردرگم، گاهی اقدام به حملات هوایی علیه مواضع داعش می‌کنند. به هر حال، تحولات سوریه با حفظ امنیت رژیم صهیونیستی ارتباط مستقیم دارد.

آمریکا اخیراً در راستای منافع و با درک محدودیت‌های خود نسبت به مدیریت بحران سوریه، ترجیح داده است که به سوی سناریوهای قدرت‌گیری تدریجی، و پیشروی و کنترل مرحله به مرحله تحولات سوریه حرکت کند و در همین راستا، در شمال سوریه، سه اقدام مهم زیر را انجام داده است:

(۱) تقویت و هماهنگی با اکراد سوریه- حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه-جهت تحریک آنان به مبارزه علیه حکومت بشار اسد. این اقدام امریکا با مخالفت ترکیه مواجه شده است؛ زیرا ترک‌ها تقویت اکراد سوریه را به نوعی قوت گرفتن اکراد ترکیه می‌دانند و به شدت با آن مخالفند.

(۲) آمریکا در سناریوی ایجاد منطقه حائل و تأکید بر ایفای نقش ترکیه در بحران سوریه، امکان آن را فراهم آورده که ترک‌ها بتدریج در شمال سوریه، میدان فعالیت را برای کنترل بخشی از آن کشور و اعمال فشار بر حلب و دمشق و حکومت بشار اسد بوجود آورند.

(۳) آموزش بخشی از نیروهای مخالف سوری در داخل ترکیه و اعزام آنها به خاک سوریه؛ البته این اقدام تاکنون نتوانسته است تأثیر چندانی بر تحولات میدانی سوریه بگذارد ضمن اینکه گفته می‌شود افراد مذکور پس از ورود به سوریه، سلاح خود را به گروه‌های تروریستی دیگر فروخته و از میدان خارج شده‌اند.

البته دو حزب آمریکایی دارای دیدگاه‌های متفاوتی به موضوع سوریه هستند:

(۱) دیدگاه دمکرات‌ها: آنها معتقدند جنگ ۲۰۰۳ میلادی آمریکا در عراق باعث ظهور این گروه تروریستی شد. (۲) دیدگاه جمهوری خواهان: آنها معتقدند که خروج زود هنگام نیروهای آمریکایی از عراق - بعد از جنگ ۲۰۰۳ میلادی- و عدم حمایت اوباما از ادامه حضور آنها در آن کشور؛ موجب ظهور داعش است.

این تناقض موجب ایجاد شکاف بین دو جناح فوق‌الذکر شده است. به هر حال آنچه که

مشهود می‌باشد؛ آن است که آمریکا در مقابل داعش یک سیاست محافظه‌کارانه در پیش گرفته و از آنها به صورت ابزار تحقق اهداف خود استفاده می‌کند؛ یعنی از یک طرف نمی‌خواهد این گروه بیش از حد رشد کنند و از طرف دیگر، قصد از بین بردن داعش را نیز ندارد تا موقعی که از وضعیت این منطقه اطمینان حاصل نماید.

نقش ترکیه

هرچند عربستان و قطر و آمریکا بازیگران عمده خارجی در سوریه به شمار می‌روند اما ترکیه به واسطه برخورداری از مرز مشترک و ظرفیت‌های بیشتری که در مقایسه با سایر همسایه‌های سوریه (عراق، اردن رژیم صهیونیستی و لبنان) دارد، قابلیت بازیگری و تأثیرگذاری بیشتری را در صحنه سوریه دارد. این کشور از بدو ناآرامی‌ها در سوریه سعی کرد با ایجاد اردوگاه پناهندگان برای سوری‌ها، آن‌ها را ترغیب به ترک خانه و کاشانه خود و حضور در این اردوگاه‌ها نموده و آنها را به عنوان پایگاهی برای جذب و سازماندهی ارتش آزاد سوریه قرار دهد و از طرف دیگر طی یک مانور سیاسی، نهایتاً سرنگونی رژیم بشاراسد را اجتناب‌ناپذیر اعلام و هنوز چهار ماه از آغاز تحولات نگذشته بود که آرزوی اقامه نماز جمعه بعدی در دمشق را مطرح کرد و بدین ترتیب در باتلاقی گرفتار شد که امروز راه نجاتی از آن نمی‌بیند و زمانی که از مداخله مستقیم نظامی غرب در سوریه که سال‌ها در آن جهت تلاش می‌کرد، ناامید شد، با راهی کردن مهاجرین سوری به سمت اروپا که در ایجاد بحران برای این کشورها نیز موفق بود، این امید را داشت تا اروپا را بیشتر درگیر تحولات سوریه نماید، اما واکنش اروپایی‌ها به حملات روسیه نشان می‌دهد این کشورها تاکنون در دامی که ترکیه برای آنها پهن کرده، نیافتاده‌اند.

از بدو تحولات سوریه، ترکیه مسیر اصلی انتقال اعضای گروه‌های تروریستی به داخل

سوریه و تجهیز و پشتیبانی از آن‌ها بوده و رسماً مرکز آموزش مخالفین سوریه در ترکیه را در همکاری با آمریکا به راه انداخت. این کشور همواره خواستار ایجاد منطقه ممنوعه پروازی و منطقه حائل در شمال سوریه بوده تا بتواند مسیر تدارک گروه‌های تروریستی را هموارتر کند که البته تاکنون موفق نشده است.

بخش سوم: علائق ژئوپلیتیکی و نقش جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اوضاع و تغییر و تحولات کنونی کشور سوریه؛ راهبردهای ج.ا.ایران در قبال آن کشور به عنوان عضوی حساس از محور مقاومت و عمق راهبردی ج.ا.ایران در منطقه و حلقه اتصال با حزب... لبنان - ابتدا حفظ حکومت بشار اسد می‌باشد؛ لیکن چون در حال حاضر تحقق این امر برای مدت طولانی بسیار مشکل به نظر می‌آید؛ دومین راهبرد کشورمان در خصوص سوریه، روی کارآوردن دولتی تقریباً همسو و همگرا در بین طیف‌هایی که مدعی حکومت هستند - با اهداف مشترک محور مقاومت است. باید توجه داشت که اگر روسیه از ادامه حمایت حکومت بشار اسد دست بردارد؛ ادامه کار برای جمهوری اسلامی ایران بسیار سخت خواهد شد.

بدیهی است که در حاضر جمهوری اسلامی ایران به منظور حفظ حکومت بشار اسد؛ نسبت به انجام حمایت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از نظام فعلی سوریه، هیچ - گونه مضایقه‌ای ندارد و در واقع سوریه به عنوان خط مقدم مقابله ج.ا.ایران با استکبار جهانی به رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود.

براساس نظر خبرگی میز منطقه غرب آسیا، اگر در سوریه کار به همه پرسی کشیده شود؛ گروه مخالفین میانه روی داخلی از شانس بیشتری برخوردار خواهند بود. به عبارت دیگر، گروه‌های مسلح در بین اکثریت مردم این کشور دارای جایگاه مناسبی نیستند. بنابراین

جمهوری اسلامی ایران باید ضمن ادامه حمایت از دولت بشار اسد باید به دنبال ارتباط گیری با گروه‌های مخالف میانه رو باشد. البته آمریکا هم مخالف به قدرت رسیدن داعش و النصره و گروه‌های همسو با آنها در سوریه است که به ظاهر دارای اشتراک نظر با ج.ا.ایران می‌باشد اما طیف مخالفین میانه رو نیز وسیع است و قطعاً در داخل این طیف بین ج.ا.ایران و آمریکا اشتراک نظری وجود نخواهد داشت.

اتفاقات اخیر که تحولات سوریه را به نفع حکومت بشار اسد رقم زده است؛ عبارتند از:
۱- گفته می‌شود ایران بعد از توافق هسته‌ای، منطقه‌ای از جمله سوریه را در دستور کار قرار داد و یک طرح چهار ماده‌ای جهت مدیریت بحران در آن کشور را به شرح زیر پیشنهاد نمود:

ماده اول: آتش‌بس فوری

ماده دوم: تشکیل دولت وحدت ملی

ماده سوم: اصلاح قانون اساسی سوریه

ماده چهارم: برگزاری انتخابات تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی. این طرح خوشبختانه مورد توجه آمریکا و کشورهای عربی به جز عربستان نیز قرار گرفته و خود بشار اسد نیز این طرح را قبول کرده است.

۲- حمایت‌های سیاسی - اقتصادی روسیه از حکومت فعلی سوریه.

۳- پشتیبانی مستقیم هوایی روسیه از ارتش سوریه در حمله به مواضع تروریست‌ها.

نتیجه گیری

با توجه به شیب ژئوپلیتیک به سمت حوزه آناتولی و از طرفی قرار گرفتن در گسل‌های فعال جهانی چندین سناریو محتمل می‌باشد و نتیجه حاکی از آن است که درنگ فرامنطقه‌ای:

باتوجه به اتحاد واشنگتن با اسرائیل بر قدرت نظامی این کشور در مقابل سوریه و در نگاهی وسیع‌تر در مقابل جبهه مقاومت، دست از تلاش برای ناامنی در منطقه بر نخواهند داشت و نا آرامی‌ها در طولانی مدت همچنان ادامه دار خواهد بود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با توجه به علائق و منافع که در منطقه دارد بایستی راهبردهای خود را متناسب با مناقشات ژئوپلیتیکی این منطقه تدوین نماید. از طرفی سوریه نیز در محور مقاومت دارای علائق ژئوپلیتیکی است که در زیر به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

(الف) حفظ وحدت و استقلال سوریه در برابر تهدیدات خارجی و داخلی

(ب) حمایت از جنبش‌های مقاومت در فلسطین، لبنان و یمن

(پ) تقویت روابط با ایران به عنوان یک متحد استراتژیک و یک حامی نظامی و اقتصادی

(ت) مقابله با نفوذ آمریکا و متحدان او در منطقه و جلوگیری از تغییر نظام در سوریه

(ج) مقابله با تروریسم و داعش و گروه‌های تکفیری دیگر

(چ) ایجاد همبستگی متقابل با کشورها و گروه‌های جهادی محور مقاومت و استفاده از ظرفیت

و پتانسیل آن‌ها جهت حفظ آرامش و امنیت کشور سوریه

منابع

- اخباری، ابوالفضل؛ اخباری، محمد؛ حیدری، غلامحسین؛ و دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی. (۱۳۸۴). جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در دریای خزر بعد از فروپاشی شوروی. تهران. اعظمی، هادی؛ نظری، محمد؛ و حسینی، سیدعلی. (۱۳۹۷). رقابت ژئوپلیتیک روسیه و آمریکا در اوکراین (۲۰۰۴ - ۲۰۱۷). پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۱۲(۶)، ۲۱-۵۲.
- افشردی، محمدحسین؛ و علمدار، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل علایق ژئوپلیتیک بازیگران خارجی موثر در بحران ژئوپلیتیک سوریه. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۱۰(۲)، ۱۱۷-۱۴۴.
- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶)، "طرح ریزی راهبرد نظامی در صحنه جنگ و عملیات"، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی
- افضلی، علی (۱۳۹۲) راهبرد روسیه در برابر سپر موشکی غرب و پیامدهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران
- الاسلامی، شیخ؛ شیراوند؛ و صارم. (۲۰۱۷). تاثیر تحولات ژئوپلیتیک اوکراین بر امنیت روسیه از منظر ژئوپلیتیک انتقادی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۳(۹۹)، ۸۹-۱۲۳.
- بصری؛ بانزاد؛ و ایزانلو. (۲۰۱۵). بررسی اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس برای فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر. پژوهش‌های سیاسی، ۱۴(۵)، ۱۰۳-۱۲۵.
- بوالهری، روزبه. (۱۳۸۴). پوتین؛ حرکت در راه جلوگیری از فروپاشی روسیه. گزارش، ۱۶۳(۱۶)، ۲۹-۳۰.
- بودی، زنده؛ ابراهیمی؛ شهروز؛ و گودرزی. (۲۰۱۷). روابط غرب-روسیه در سایه تحولات اوکراین ۲۰۱۴. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۰(۳۹)، ۵۹-۸۲.

بیات. (۲۰۲۰). ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه. پژوهش‌های جغرافیای انسانی.

بیلیس، جان، بوث‌کن گارنت، جان، زفیل، ویلیام، (۱۳۶۹)؛ ترجمه هوشمند یسر فخرایی، "استراتژی معاصر"، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه

پروین، داداندیش. (بی‌تا). گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه‌های تعامل ایران و روسیه.

ترابی؛ کیانی؛ و فریبا. (۲۰۱۴). تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین از منظر واقع‌گرایی ساختاری تدافعی. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۷، ۱-۳۲.

تلانی، درویشی سه؛ و محمودآبادی. (۲۰۱۱). بررسی سیاست‌ها و مواضع روسیه، گرجستان، آمریکا و ایران در جنگ روسیه و گرجستان (آگوست ۲۰۰۸). مجله سیاست دفاعی، ۱۹ (۷۴). جعفری؛ و ذوالفقاری. (۲۰۱۳). روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶ (۱۲)، ۲۱-۴۰.

حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، "اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک"، مشهد، انتشارات پاپلی حبیبی، محسن؛ طباطبایی پناه، سیدعلی؛ شیرزاد، حمیدرضا؛ بخشایشی اردستانی، احمد. (۱۳۹۹). موانع منطقه‌ای بازیابی قدرت فدراسیون روسیه در دوره دوم پوتین، از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۱۹. علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج)، ۵۳ (۱۶)، ۱۳۷-۱۵۷.

